



اول ماه مه ۲۰۰۶ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۵) در سقز چهار راه آزادی

محمود صالحی

مقدمه

کشمکشی که پیرامون دستگیری فعالان کارگری در اول مه ۲۰۰۴ اتفاق افتاد و نیز احکام صادر شده علیه آنان، باعث شد تا برگزاری مراسم اول ماه مه امسال در سقز در کانون توجه کلیه کارگران و طرفداران طبقه کارگر در ایران و جهان قرار گیرد.

البته مبارزات قهرمانانه کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و پشتیبانی وسیع داخلی و خارجی از آن و نیز مسایل سیاسی موجود که پیرامون انرژی هسته‌ای شکل گرفته، توجه را به ایران و به ما جلب کرد

سقز شهری است با جمعیتی حدود ۱۲۰ هزار نفر که در استان کردستان، واقع در غرب ایران، قرار دارد. امکان پیدا کردن کار و اشتغال در شهر بدلیل فقر شدید بسیار محدود است و جمعیت زیادی از کارگران ناچارند برای تامین معاش خود و خانواده شان به شهرهای دیگر ایران بروند. این امر سبب

شده تا ارتباطات خوبی بین این کارگران و کارگران غیر کرد برقرار شود و همبستگی طبقاتیشان تقویت گردد. کارگران زیادی در بخش خبازی به کار مشغول بوده و پخشهایی از آنان در شهرهای دیگر ایران و نیز بخشی از شهرهای جهان پراکنده هستند.

در بین این کارگران فعالان زیادی در طول تاریخ پا به عرصه مبارزه گذاشته و برای رهایی از هرگونه ستم و استثمار در سختترین شرایط به مبارزه ادامه داده اند. کارگران خباز برای اولین بار در سال ۱۳۵۸ در پارک کودک مراسم اول ماه مه را برگزار کردند. بدنبال آن اول ماه مه برای کارگران یک سنت شده و هر سال به شیوه های مختلف این روز جهانی را گرامی داشته اند. با توجه به این پیشینه کارگران و طرفداران رهایی طبقه کارگر در سقز هر سال قبل از رسیدن اول ماه مه خود را آماده می کنند تا مراسم را برگزار کنند. سالهای قبل فعالان و پیشروان کارگری در روز اول ماه مه به بیرون شهر می رفتند و مراسم برگزار می کردند. بعد از تشکیل انجمن صنفی کارگران خباز در سال ۱۳۷۳ مراسم ها به داخل شهر ها آمد و هر سال در بین مسئولان انجمن و مسئولان دولتی بر سر برگزاری مراسم اول ماه مه درگیری های پیش می آمد. شهامت و شجاعت مسئولان آن زمان انجمن مسئولان شهرستانی را نگران کرده بود. به این خاطر خانه کارگر را با هزینه خود در سقز تاسیس و با فریب مردم. دال بر اینکه از طرف خانه کارگر به آنان زمین واگذار می شود. مردم فقیر در کوچه و خیابان را به عضویت خود درآوردند. شهرداری سقز از کیسه خلیفه و از امکانات مردم سقز برای آن خانه بدون کارگر محل اداری آن را بدون دریافت یک ریال در اختیار آنان قرار داد. این در حالی است که تمام انجمن های صنفی کارگری در استان کردستان تنها به دلیل نداشتن کرایه محل سکونت قادر به ادامه کاری نیستند.

اول ماه مه ۲۰۰۶

یک ماه قبل از اول ماه مه کارگران و طرفداران طبقه کارگر در محفل های گوناگون به بررسی نقاط ضعف و قوت جنبش کارگری در سال گذشته پرداختند. و همچنین به بررسی مراسم سال ۱۳۸۳ که منجر به دستگیری ده ها نفر از کارگران شد پرداختند. (این گزارشات هیچ وقت انتشار خارجی پیدا نکرد.)

بر اساس دستاوردهای این بحثها فعالان کارگری خود را برای برگزاری مراسم اول ماه مه امسال آماده کردند. افرادی که به هر طریق صف خود را از ما جدا می دانستند به تکاپو افتاده بودند که شاید بتوانند محل برگزاری مراسم را پیدا کنند. اما تا ساعات های آخر ۱۱ اردیبهشت محل برای کسی مشخص نبود. روز ۱۰ - اردیبهشت جلو تعاونی پرچم های به رنگ قرمز و به این مضمون نصب شد بود:

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر -

اول ماه مه روز همبستگی طبقه کارگر گرامی باد -

کارگران: به نیروی بازوان توانمند خود متکی باشیم و بر علیه نظم سرمایه، فقر و بردگی بپا خیزیم

این شعارها توجه مردم شهر و نیروهای انتظامی و اطلاعاتی را به خود جلب کرد. از صبح روز ۱۰/۲/۸۵ خانه من، جلال حسینی و محمد عبدی پور از طرف نیروهای لباس شخصی زیر نظر بود و به هر جا می رفتیم ما را تعقیب می کردند. در مدت ۴۸ ساعت هر گونه مراجعه به خانه های فوق ثبت و به ارگان بالا تر گزارش می شد.

نیروی های مدیریت اطلاعات انتظامی از بی توجهی ما به مقامات و قوانین خود درآورده به ستوه آمده بودند. آنها سرانجام روز ۱۰ اردیبهشت به محل کار ما آمدند و من را به اداره اطلاعات انتظامی دعوت کردند. من ساعت ۹ صبح به ارگان فوق مراجعه کردم. با احترام من را تحویل گرفتند. یک سرگرد و شخص دیگری در اطاق منتظر من بودند و صحبتها شروع شد. من در اینجا چند جمله از اظهارات آنان را می آورم:

- جمهوری اسلامی از هیچ کس هراسی ندارد ما داریم برای امریکا شاخ و شانه می کشیم پس اگر ما نتوانیم دو میلیون نفر از مخالفان خود را سرکوب کنیم، دیگر ما دولت نیستیم؛ ما می گوئیم که کومه له و دمکرات نمی توانند هیچ کاری انجام دهند و آنان با یک اسلحه چکار می خواهند بکنند، ما هر وقت که دوست داشته باشیم در خاک عراق هم آنان را سرکوب می کنیم. من به شما هشدار می دهم که بروید در مراسمی که در سالن شهید کاظمی برگزار می شود شرکت کنید و برای خود دردسر درست نکنید. شما پرونده دیگری هم دارید. ما بخاطر شما این حرفها را می زنیم و غیره

.....
من هم در جواب گفتم:

- من هیچ شکی ندارم که دولت شما می تواند ما را سرکوب کند و این در طول ۲۷ سال گذشته برای تمام مردم آشکار است، آن وقت جناب سرگرد؟ ما را از کومه له و دمکرات تفکیک کن. از این گذشته شما در سال ۱۳۶۲ بر روی دیوارها نوشتید (امسال سال نابودی کومه له و دمکرات است) پس بر طبق همین ادعا اکنون کومه له و دمکراتی نباید وجود داشته باشد. ما کارگرم و امروز هم روز ماست. در قانون کار ماده ۶۳ آمده که روز اول ماه مه روز جهانی کارگر تعطیل رسمی است یعنی دولت ایران این روز را به رسمیت شناخته است. و در اصل بیست و هفتم قانون اساسی آمده که تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح و به شرطی که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است. حال سؤال من از شما این است؟ در کجای قانون آمده تا ما کارگران برای روز خود برویم و از فرمانداری مجوز بگیریم؟ اگر قانونی سراخ دارید لطفاً آن را به ما نشان بدهید تا من به اسناد به این قانون از فرماندار درخواست مجوز کنم !!؟

- نه قانونی نیست، ولی موقعیت سقز فرق می کند. من در تمام مناطق ایران خدمت کرده ام ولی هیچ کجای ایران مثل سقز نسبت به مسائل کارگری حساسیت وجود ندارد و...

- پس جناب سرگرد ما از کسی گدایی مجوز نخواهیم کرد. این خود دولت است که باید برای ما کارگران بستر فراهم کند تا با امنیت کامل مراسم های خود را برگزار کنیم. من از نیروی انتظامی تقاضا دارم تا امنیت مراسم ما را تامین کنند.

- پس شما مراسم برگزار می کنید؟

- بلی این طبیعی است که مراسم برگزار می کنیم.

- کجا و در چه زمانی؟

- من تنها می توانم بگویم که بعدازظهر روز ۱۱ اردیبهشت برگزار می شود.

- یعنی صبح نیست؟

- خیر.

- پس اگر کسی بیاید و به اماکن مردم حمله کند شما را بعنوان عامل اصلی دستگیر خواهیم کرد و علیه شما دادخواست تنظیم می کنیم.

- شما موظف هستید تا امنیت مراسم ما را تامین کنید.

- شما همین امروز مرتکب جرم شده اید؟

- چه جرمی؟

- شما امروز پرچم های سرخ رنگ را در میادین عمومی نصب کرده اید؟

- خیر، این پرچم ها در مراکز کارگری نصب شده و کسی هم بخاطر نصب آن از ما شاکی نیست .

این خلاصه ای از صحبت های ما بود و بعد از دو ساعات به محل کار خود برگشتم .

صبح روز اول ماه مه تمام خیابانها مملو از نیروی انتظامی و لباس شخصی بود . جلو درب تعاونی یک نفر لباس شخصی و روبروی تعاونی دو نفر لباس شخصی در کمین بودند . ساعات ۹ صبح چند نفر کارگر شهرداری که برای تخلیه اشغال به خارج از شهر رفته بودند خبر دادند که ۱۵ ماشین نیروی ویژه از جاده سنندج سقز وارد شهر شدند و در داخل منطقه نظامی (مردم این مرکز را بنام منطقه می شناسند)، که روبروی ترمینال تهران است، مستقر شدند .

بعد از ظهر همان روز نیروهای ویژه برای زهر چشم گرفتن از کارگران و مردم زحمتکش سقز وارد شهر شدند و در خیابانها به مانور پرداختند .

اما کارگرانی که مطلع شده بودند که مراسم در چهار راه آزادگان (آزادی) برگزار می شود به دوستان و اشنایان خود گفته بودند و دهان به دهان مردم زیادی مطلع شده بودند. در اینجا لازم می دانم برای روشن شدن اذهان عمومی به چند نکته اشاره کنم .

۱- کسانی که در سال ۱۳۸۳ خود عضو کمیته اول ماه مه بودند و از ترس دستگیری به مراسم نیامدند و نظاره گر دستگیری ما بودند . امسال هم خود را به کوچه علی چپ زدند تا شاید ما دستگیر و آنان باز هم با داد و فریاد گـوش خود و مردم را کـر کنند .

۲- از طرف دیگر انسانهای محافظه کار هم از یک روز قبل شهر سقز را ترک کرده بودند و طبق معمول منتظر دستگیری ما بودند .

۳- در سقز امسال کمیته ای تشکیل شد بنام کمیته برگزاری اول ماه مه (به گفته یکی از شرکت کنندگان زیر نظر شخص فرماندار بود) این کمیته که از طرف دولت مجوز داشت در زمان پخش اطلاعیه هایشان به مردم و کارگران گفته بودند که محمود صالحی و دوستانش در مراسم سالن کاوه شرکت می کنند. با توجه به این تبلیغات کذب عده ای از مردم و کارگران به آن سالن رفته بودند . وقتی ما را مشاهده نمی کنند بلافاصله سالن را ترک می کنند .

این جوخفقان و تبلیغات منفی هیچ کدام نتوانست از برگزاری مراسم در چهار راه آزادگان (آزادی) جلوگیری کند. کارگران، زنان و جوانان در ساعات مقرر در دسته های کوچک و بزرگ به محل برگزاری مراسم اول ماه مه مراجعه و توسط نیروهای انتظامی مورد بازخواست قرار می گرفتند. از جلو پارک کودک تا میدان شهدا و در کوچه های واقع در این مسیر دسته دسته مردم تجمع کرده بودند و منتظر یک جرقه بودند تا مراسم را برگزار کنند. نیروهای انتظامی و لباس شخصی هم، که تعدادشان از مردم بیشتر بود، در خیابانها به گشت زنی مشغول بودند و از مردم فیلم برداری می کردند . تا مردم از ترس آنان به خانه های خود برگردند. اما بیخبر از آن که این مردم همه برای این آمده بودند که تا در مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر شرکت کنند. کارگران بدون ترس از نیروهای انتظامی و لباس شخصی در مسیرهای تعیین شده در حال گشت زنی بودند .

در کل باید گفت در آن روز شهر سقز یک شهر نظامی با صدها نفر نیروی انتظامی و لباس شخصی و شبیه به یک پادگان بود . اگر به تصویر های که از فلسطین در تلویزیون ایران پخش می شود خوب نگاه کنید . آن روز شهر سقز چنین حالتی داشت .

سا عات ۳ بعد از ظهر دوستان خبر دادند که شهر پر از نیروی انتظامی شده و جای سوزن انداختن نیست. تمام راه های که به شرکت تعاونی مصرف کارگران خباز منتهی می شود تحت کنترل نیروهای لباس شخصی و انتظامی است و....

جلال حسینی ساعات ۴ به جلو شرکت که محل تجمع کارگران بود می رسد . به محض رسیدن جلال حسینی مردم به دورش حلقه می زنند. در این اثنا نیروهای انتظامی به مردم یورش می آورند و با تهدید و ارباب می کوشند تا آنها را متفرق کنند. اما با مقاومت زنان ، مردان و جلال حسینی روبرو می شوند. با این مقاومت نیروهای انتظامی عقب مینشینند و مردم را به محاصره درمیآوردند تا به تجمع کنندگان افزوده نشود. جلال حسینی به عنوان سخنران مراسم را شروع میکند. در همین اثنا به تعداد تجمع کنندگان افزوده میشود ، بطوری که تعداد شرکت کنندگان به صدها نفر میرسد جلال حسینی با انتقاد از برخورد نیروهای دولتی با یک شعر به مراسم رسمیت میدهد .

نه ورو روژی روژان نییه ، (امروز مثل روزهای دیگر نیست.)

نه ورو ناچینه سه ر کار ، (امروز بر سر کار حاضر نمیشویم)

نه ورو بزه ی منا لانمان له سه ر لیویان نا که ینه بار (امروز گلخنده روی لب بچه ها را پژمرده نمیکنم.)

نه ورو بومه له رزه ی مه رگ و شادی به یه که وه دینمه بازار (امروز زمین لرزه مرگ و شادی را در کنار هم به بازار میآورم)

نه ورو چرخ ی هه موو کارگه کانی دوونیا ده وستینین (امروز چرخ تمام کارگاه های دنیا را متوقف میکنیم.)

نه ورو یه کی نه یاره روژی چینی کریکاره (امروز روز اول می، روز طبقه کارگر است.)

نه ورو له کوچه و له کولان له شه قامی هه موو شاران خونچه ی خه نده ده پشکونین

(امروز در کوچه ها و خیابانهای همه شهرها غنچه های خنده را شکوفا میکنیم.)

شادی و خوشی به دی دینین (شور و شادی را می آفرینیم)

نه ورو ده نگ و ره نگ و ره نج و خوینمان تیکه ل تیشکی هه تاو ده که ین

(امروز صدا، رنگ، رنج و خون خود را در اشعه های آفتاب می تنیم)

نا لیره را له نیران و له کوردستان ده نگمان تیکلا وی سروه ی سه نفونای جیهان ده که ین

(اینجا در ایران، اینجا در کردستان صدایمان را در نجوای سنفونی جهان می آمیزیم.)

بژی هیوام ، بژی بروام . (زنده باد امیدم، زنده باد اعتقادم.)

بعد از شعر، جلال حسینی در سخنانی به وضع فلاکت بار کارگران ایران میپردازد و از مردم میخواهد خونسردی خود را حفظ کنند.

در طول سخنان جلال حسینی جمعیت چند برابر شده بطوریکه پیاده رو و خیابان مملو از جمعیت شده بود. هر چه به تجمع کنندگان افزوده می شد به همان اندازه به نیروهای انتظامی و لباس شخصی افزوده می شد. در طول این مدت نیروهای انتظامی چندین بار خواستند تا مردم را متفرق کنند، اما هر بار با مقاومت شرکت کنندگان روبرومی شدند و به ناچار این وضع را تحمل می کردند. برای اینکه مردم را به وحشت بیندازند با ده ها دوربین و از تمام زاویه ها مشغول فیلم برداری بودند. ولی شرکت کنندگان مراسم نه اینکه هیچ توجه ای به فیلم برداران نمی کردند. بلکه با خونسردی اظهار می کردند. " آقایان فیلم بردار اگر لازم دارید فردا برای شما انقدر عکس و فیلم می آوریم تا در هیچ البومی و

آرشیوی جا نگیرد. " سپس جلال حسینی از من خواست تا علت حضور این نیروها را برای جمعیت حاضر در مراسم را توضیح دهم . من گفتم:

- کارگران ، مردم آزاده ، امروز روز جهانی کارگر است در تمام دنیا ی سرمایه داری این روز را به رسمیت می شناسند . اما در بعضی از کشور های عقب مانده سرمایه داری وضع طور دیگری است .

برای نمونه به این نیروهای لباس سبز نگاه کنید به وضوح این تفاوت را مشاهده می کنید . وقتی ما برای بزرگداشت روز خود جمع می شویم بلافاصله سروکله این نیرو ها پیدا می شود و ما را محاصره می کنند . این امر نشانه ئی از پایمال شدن حقوق ما کارگران است . حضار محترم من از کلیه شما تشکر می کنم و امید وارم که سالی پر بار در پیش داشته باشید و روز جهانی کارگر را به همه کارگران جهان تبریک عرض می کنم . دوستان من گفتم که در تمام دنیا امروز کارگران در صفهای طولانی برای احقاق حق خود بر علیه نظام سرمایه داری اعلام یک جنگ تمام عیار می کند . تفاوت ما با سایر مراسمهای که در شهر های مختلف جهان برگزار می شود و به آن ویژه گی خاص می بخشد چیست؟ در ایران اول ماه مه بیشتر جنبه رزمندگی به خود گرفته و آن هم بدلیل برخورد فیزیکی دولت با برگزار کنندگان اول ماه مه است .

عزیزان، امروز روز کارگر است نه روز فرماندار و مسئولان . برابر اطلاعاتی که ما در دست داریم در شهر ما یک کمیته بنام کمیته برگزاری اول ماه مه زیر نظر شخص فرماندار تشکیل شده . دوستان، کمیته ای که زیر نظر فرماندار و مسئولان باشد نمی تواند کارگری باشد .

در این اثنا مسئول نیروی انتظامی آمد و به من پیشنهاد داد تا به سالن کاوه برویم . من هم گفتم:

- خیلی خوب ما خواهیم رفت ولی مشروط بر اینکه مراسم توسط خود ما اداره شود و جنابعالی باید این را تضمین کنید .

فرمانده نیروی انتظامی آن را قبول کرد و من روبه مردم گفتم .

- مردم با راهپیمای به طرف سالن کاوه حرکت می کنیم .

مردم در پشت سر من به حرکت درآمدند . وقتی مسئول نیروی انتظامی مردم را مشاهده کرد . گفت:

- با راهپیمای نه باید ۴ نفر و بطور متفرقه با ماشین حرکت کنید .

من هم آن را قبول نکردم . و گفتم:

- یا باید با راهپیمایی برویم و یا چند اتوبوس برای ما تهیه کنید .

مسئول نیروی انتظامی قبول نکرد و من هم بلافاصله به جایگاه خود برگشتم و مردم را به آرامش دعوت کردم و از آنها خواستم بشینند . مسئول نیروی انتظامی پیش من آمد و پرسید:

- شما می خواهید چند وقت صحبت کنید؟

- من می خواهم پنج دقیقه صحبت کنم .

- بفرما

و از تمام نیروهای خود خواست که کنار مردم باشند . من ادامه دادم:

- حضار محترم ، من در حرفایم گفتم که یک کمیته تشکیل شده و تشکیل آن کمیته بی حرمتی به طبقه کارگر شهر ماست و به اعتراض به این بی حرمتی یک دقیقه سکوت می کنم . تمام مردم به اعتراض به این کمیته یک دقیقه سکوت کردند .

سکوت را با چند جمله شعر شکستم .

صد ساله ژینی سوور به بالای نه یارم نخشاوره (صد سال است که زندگی سرخ بر قامت "مه" من نقش بسته است)

۸۸۶ له یه کی نه یارا (در اول مه ۱۸۸۶)

خروشام: آزادی (قیام کردم: آزادی)

به سیه تی برسیه تی و کویله تی ، (کافیت گرسنگی و بردگی)

کارگران،

ما در مراسمهای که فرماندار و نماینده شورای روحانی سخنرانی می کنند شرکت نخواهیم کرد .
زیرا ما کارگران خواست و مطالباتی داریم که این آقایان نه تنها حاضر به تایید آن نیستند بلکه خود عاملین این فقر و فلاکت ما کارگران هستند.

ما امروز اعلام می کنیم که دولت باید تشکلهای مستقل کارگری را به رسمیت بشناسد و به ضرب و شتم و دستگیری فعالان کارگری خاتمه دهد.

کارگران :

با قرائت قطعنامه مراسم را به پایان می بریم و از کلیه عزیزان می خواهم که با آرامش و منظم به خانه های خود برگردند.

من اینجا لازم می دانم که از نیروی انتظامی تشکر و قدردانی کنم به این خاطر که امنیت مراسم ما را تامین کردند.

آقایان نی روی انتظ

شما هم طبقه ما هستید و ما با شما که شب و روز برای حفظ سرمایه سرمایه داران زحمت می کشید و خود شما دارای یک سرپناه برای زنده ماندن نیستید هیچ مشکلی نداریم . ما با سیستم و مناسبات سرمایه داری مخالفیم و این سیستم باید از بین برود.

افسران شما در بانک ها نگیهان پول سرمایه داران هستند و خود از همه امکانات رفاهی بی بهره هستید . کسانی که شما ها را برای سرکوب ما فرستاده اند، خود نه از سرمایه زمستان خبر دارند و نه از گرمای تابستان .

بعد از این سخنان نیرو های انتظامی نیز به جمع تشویق کنندگان ما پیوستند .

قطعنامه اول ماه مه ۲۰۰۶ در سقز

۱ – لغو قراردادهای موقت کار و رسمی شدن همه قراردادها و توقف اخراج ها .
۲ – متوقف کردن قراردادهای سفید امضاء و اعلام جرم علیه کارفرمایانی که این قراردادها را منعقد می کنند.

۳ – تعیین حداقل دستمزد بالاتر از خط فقر و افزایش دستمزد ها به تناسب تورم.

۴ – دستمزدهای معوقه کارگران همراه با خسارت آن باید یکجا و فوری پرداخت گردد.

۵ – پرداخت بیمه بیکاری کافی برای کلیه کارگران آماده به کار .

۶ - لغو سه جانبه گرایی در هیئت های تشخیص و حل اختلاف و جایگزینی آن با هیئت های مساوی از یک طرف دولت و کارفرما و از طرف دیگر کارگر.

۷ – ما خواهان به رسمیت شناخته شدن تشکل های مستقل کارگری و قانونی شدن حق اعتصاب هستیم

۸ – دولت جمهوری اسلامی موظف است برگزاری علنی ، آزادانه و بدون مجوز روز اول ماه مه را به رسمیت بشناسد و امنیت فعالان کارگری را برای برگزاری مراسم این روز تضمین کند.

۹ - قانون کار باید به نیروی تشکل های کارگری و توسط نمایندگان منتخب کارگران تعیین و تدوین گردد.

۱۰ - ما خواهان کاهش شدت کار و کاهش ساعات کار و دو روز تعطیلی متوالی در هفته هستیم .
۱۱ - ما دستگیری و محاکمه فعالان کارگری سقز در اول ماه مه ۲۰۰۴ را محکوم می کنیم و خواهان لغو احکام زندان و تبعید آنان و نیز آزادی منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه هستیم .

۱۲ - ما کارگران خواستار بستن پیمانهای دسته جمعی هستیم با حضور نمایندگان منتخب خود.
۱۳ - دولت موظف است مسکن مناسب برای تمام شهروندان خود ایجاد کند. اما ما کارگران متشکل در تعاونی مسکن دخانیات ده سال است که با اندک سرمایه خود جهت ساختن مسکن اقدام به خرید زمین کرده ایم . به دلیل برخوردهای بروکراسی ، کاغذ بازی و عدم توجه عده ای از مسئولان شهرستان سقز بعد از ده سال هنوز نتوانسته ایم در زمین های که متعلق به خودمان است ساخت و ساز کنیم .

ما کارگران امروز اعلام می کنیم که بستر را برای ساخت و ساز در زمین های تعاونیها آماده کنید و زمینهای تعاونی مسکن کارگران مشترک را به صاحبان اصلی آن یعنی کارگران واگذار کنید.
در غیر اینصورت

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
اول ماه مه ۲۰۰۶ - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۵

لازم به یاد آوری است که بندهای قطعنامه بعد از قرائت از طرف جمعیت حاضر در مراسم مورد تایید قرار می گرفت .

با قرائت قطعنامه مراسم به پایان رسید و از مردم خواستیم تا به خانه های خود برگردند. من و خانواده ام توسط ماموران حفاظت اطلاعات محاصره شدیم و با یک اتومبیل ما را به منزل فرستادند. بعد از مراسم پسر من (سامرند) و یک جوان دیگر بنام (زانا) به اتهام گرفتن عکس از مراسم توسط نیرو های اداره آگاهی دستگیر می شوند. وقتی آنان را بازدید می کنند متوجه می شوند که دوربین همراه ندارند آنان را آزاد می کنند.

در این مراسم چند نکته مهم هست باید به آن اشاره کرد .

۱ - قبل از مراسم و در طی آن تمام مناطق منتهی به محل تجمع . توسط فعالان کارگری زیر نظر بود برای اینکه شخص یا اشخاصی مراسم را به هم نزنند.

۲ - شرکت کسترده زنان در این مراسم چشمگیر بود. شیرینی و تراکت های مربوط به اول ماه مه توسط خود زنان در بین مردم حاضر در مراسم پخش می شد . بعد از مراسم زنان در دسته های چند نفره در داخل شهر و در مکانهای پرجمعیت به پخش شیرینی و تراکت های که مربوط به اول ماه مه بود پرداختند.

ضمن تیریک به این عزیزان و به آنان خسته نباشید می گویم. عزیزان پیروز و سربلند باشید و همیشه برای تقویت صف طبقاتی خودمان کوشا باشید.